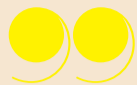


موضع هنگامه قاضیانی برخلاف آنچه رسانه‌های بیگانه و معاند تلاش می‌کنند آن را اعتراف اجباری القا کنند، همانی است که خودش در مقابل دوربین به زبان آورده، هرچند که پذیرفتنش برای معاندین سخت است اما سختی پذیرش این صحبت دلیلی بر رد آن نیست



نگاهی بر حواشی اخیر «هنگامه قاضیانی»

بایکوت یا خداحافظی؟! مسأله این است!

هاتیه شجاعی زند
نویسنده

این روزها اگر به سایت‌های معاند رجوع کنید، حتماً خداحافظی هنگامه قاضیانی را در گره با حجاب اجباری می‌یابید؛ گره‌ای که خود قاضیانی نه در پیامش به آن اشاره کرده و نه در فحوای چند خطی، درد دلش می‌توان آن را فهمید. هنگامه قاضیانی بازیگر زن سابق سینمای ایران که چندی پیش اخبار کشف حجاب او در فضای مجازی منعکس شده بود در ۵۳ سالگی با انتشار عکس نوشته‌ای در اینستاگرام از بازیگری در سینما خداحافظی کرد. شاید جرقه این خداحافظی را باید در التهابات چند ماه قبل جست‌وجو کنیم؛ آن روزهایی که گروهی با هدف براندازی شعارهای هنجارشکن می‌دادند و کسانی همچون هنگامه قاضیانی که تحت تأثیر فضای مجازی با این جماعت همراه شد. این بازیگر که طی ۲۴ سال فعالیت در عرصه سینما و تلویزیون برای خود طرفدارانی دست‌وپا کرده بود در میان آشوب‌های چند ماه اخیر احساس وظیفه کرد تا بر احساسات فوران کرده آن روزها پیام حمایت ارسال کند، پیام حمایتی که با تأکید بر هنجارشکنی و بی‌قانونی (کشف حجاب) همراه بود؛ بی‌قانونی که حرفش حمایت از مردم بود. بازداشت هنگامه قاضیانی و فاصله گرفتن او از دنیای حبابی فضای مجازی گویی او را از خواب غفلت بیدار کرد. قاضیانی در فضایی که چهره‌های به شهرت رسیده تلاش می‌کردند در آشفته بازار اغتشاشات، آتش بیار معرکه باشند، مقابل دوربین نشست تا در مقام یک مصلح اجتماعی، جوانان باری به هرجهت به خیابان آمده راه‌نمایی کند.



بی‌بی‌سی؛ در آن بخش از گزارش که آمده «تا پیش از این رعایت حجاب و محدودیت‌های پرشمار برای زنان به بخش عادی فعالیت هنری و محصولات فرهنگی رسمی داخل ایران تبدیل شده بود و برای کسی عجیب نبود که زنی در خانه و فضای خصوصی خود با مانتو و روسری به تصویر کشیده شود. اما حالا بازیگران زنی که چهره‌شان برای میلیون‌ها ایرانی آشنا است، این هنجار تحمیل شده را به چالش کشیده‌اند.» این تفسیرها علاوه بر اینکه روی قانون‌های تمحیلی آن‌ور آبی بر فضای سینمای ایران پرده می‌اندازد در عین حال تلاش می‌کند خاکستر اغتشاشات را روشن نگه دارد.

قبلی قاضیانی را تطهیر کند؛ شاید بعدها مورد بخشایش قرار بگیرد؛ خداحافظی که خواسته یا ناخواسته بازار معاندین را داغ کرده. در شرایطی که بی‌بی‌سی تلاش دارد تا شرایط هنری ایران را ملتهب نشان دهد، آن‌هم نه در واقعیت بلکه در فضای رسانه‌ای، رسالتی است که همچون زنجیره، رسانه‌های فارسی‌زبان آن را دنبال می‌کنند و این روزها خداحافظی به هر دلیل قاضیانی، بهترین جرقه برای این جماعت به خاکستر نشسته است.

با شجاعت خط و مرز خود را از اغتشاشگران جدا کرد، اما جماعت فیلمساز قواعد خود را دارند؛ بایکوت. سهم هنگامه قاضیانی پس از اعلام موضع خود، بایکوت شدن در سینمای ایران بود. قاضیانی بایکوت شد، بازیگری که همه برای حضورش در سینما، دست و پا می‌شکستند. او طی یک نامه‌ای نا نوشته در میان فیلمسازان بایکوت شد تا درس عبرتی باشد برای آنهایی که خارج از قواعد بازی، عمل می‌کنند. قاعده بر بی‌حجابی، تاختن و سکوت بود و مصاحبه قاضیانی بر آنچه امروز از آن به‌عنوان آزادی بیان یاد می‌شود از نظر همین جماعت گناهی نابخشودنی محسوب می‌شد. شاید قاضیانی فکرش را هم نمی‌کرد همان‌هایی که روزی بر بی‌حجابی دعوتش می‌کردند در روزهای سخت بی‌توجهی‌های اهالی سینما به او پشت کنند. قاضیانی خداحافظی کرد چرا که سینما خیلی پیش‌تر، زمانی که آب‌ها از آسیاب افتاد با او خداحافظی کرده بود.

پس روی صحبت غریب‌پور با نظام نیست بلکه روی صحبتش با کسانی است که نمی‌دانیم چه کسانی هستند که شرایط را برای هنرمندان سخت و دشوار کرده‌اند. کسانی که اگر حرفی از آنها هست، در پهلو می‌ماند. معنای دیگری بیان می‌شود تا گوینده در امان بماند.

هرکسی از ظن خود شد یار من

قاضیانی رفت، پر ابهام رفت و بدون بیان صریح دلیل رفتن رفت. همین باعث شده تا هرکسی از ظن خود او را قضاوت کند. مثل روزنامه اعتماد که به نقل از یک تهیه‌کننده گمنام وصله‌هایی به قاضیانی می‌بندد که حتی در اینکه آن را یک تهیه‌کننده گفته باشد شک می‌اندازد؛ بیشتر شبیه درد دل‌های یک خبرنگار است که مرجع گزارش‌هایش را بی‌بی‌سی قرار داده است. آنجایی که «اعتماد» به نقل از تهیه‌کننده گمنام می‌گوید: «خانم‌های بازیگر علاقه‌مند به شغل‌شان هستند اما بنا به شرایط موجود در جامعه نمی‌خواهند با روسری در فیلم‌ها باشند و نگران قضاوت مردم هستند، دوست ندارند محبوبیت خود را در میان مردم جامعه از دست بدهند، در نتیجه از حضور در بسیاری از فیلم‌ها دست‌مزد‌های کلان خودداری و پیشنهادها را رد می‌کنند. قطعاً خانم قاضیانی هم بسیار علاقه‌مند به هنر بازیگری است ولی به دلیل شرایط کاری سخت ترجیح داده از حضور در فیلم‌ها و سریال‌ها خداحافظی کند.» همین را مقایسه کنید با گزارش

این شد که قاضیانی در یک حرکت خودجوش پشت دوربین رفت و از حرکت احساسی و بی‌منطق خود در همراهی با اغتشاشات تبری جست. او مقابل دوربین نشست و این‌گونه گفت: ما در کشوری زندگی می‌کنیم که قانونش قانون حجاب است. بالطبع کسی که قصد دارد در این کشور کار کند باید حجاب را رعایت کند. اینجا شرایط خاص خودش را دارد. او در ادامه صحبت‌های خود مقابل دوربین گفت: هر تصمیمی شخصی است و من آدم محافظه‌کاری نیستم که دیگران تصور کنند از مواضع خاصی دفاع می‌کنم. من تنها از موضع خودم به قضیه نگاه می‌کنم. اگر سختی هست اجازه نمی‌دهم هنر والای من تحت تأثیر موانعی همچون حجاب در کار من خللی وارد کند. یعنی من به دلیل حجاب نتوانم هنرم را به نمایش بگذارم. وی در ادامه با تأکید بر این ادعای خود می‌گوید: من در جشنواره بزرگ مسکو توسط لیولمن بازیگر تک پرسوناژ فیلم‌های برگمن تحسین شدم. او برای من در بازیگری اسطوره است. در آن جشنواره دست‌مرا بالا برد و تحسین کرد و گفت ما تشکر می‌کنیم از هنگامه قاضیانی که در قاپ حجاب تمام احساساتش را به ما منتقل کرد.

قاضیانی در ادامه نطق خود پشت دوربین گفت: من در سینمای ایران مشکلی ندارم و ما با وجود حجاب همیشه سرمان بلند بوده و اتفاقات خوبی برای سینمای ایران افتاده است.

موضع هنگامه قاضیانی برخلاف آنچه رسانه‌های بیگانه و معاند تلاش می‌کنند آن را اعتراف اجباری القا کنند، همانی است که خودش در مقابل دوربین به زبان آورده، هرچند که پذیرفتنش برای معاندین سخت است اما سختی پذیرش این صحبت دلیلی بر رد آن نیست و نمی‌توان خداحافظی قاضیانی را با حجاب اجباری و شرایط سخت بازی در سینما قاپ گرفت؛ ادعایی که بی‌بی‌سی فارسی در این ارتباط یک صفحه از خبرگزاری خود را به آن اختصاص داده و به دنبال آن برخی از خبرگزاری‌های داخلی هم به این استدلال بها داده‌اند.

قاضیانی از هنجارشکنی خود تبری جست

با تمام این احوال اغتشاشات تمام شد و سهم بازیگران هنجارشکن و هتاک به نظام چندروزی حبس و بخشودگی بود. کسانی مانند هنگامه قاضیانی که بعد از بخشودگی

کسانی مانند هنگامه قاضیانی

که بعد از بخشودگی با شجاعت خط و مرز خود را از اغتشاشگران جدا کرد اما جماعت فیلمساز قواعد خود را دارند؛ بایکوت. سهم هنگامه قاضیانی پس از اعلام موضع خود، بایکوت شدن در سینمای ایران بود. قاضیانی بایکوت شد؛ بازیگری که همه برای حضورش در سینما، دست و پا می‌شکستند. او طی یک نامه نا نوشته در میان فیلمسازان بایکوت شد تا درس عبرتی باشد برای آنهایی که خارج از قواعد بازی، عمل می‌کنند

